



یکشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲
وطن امروز | شماره ۴۱۷۰

فرهنگ و هنر

اخبار

آشامحربای

به تئاتر شهر می‌رود

آشا محرابی، نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر از نیمه آبان نمایش «خانه عروسک» قسمت دوم» را در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌برد.

«خانه عروسک» قسمت دوم» نوشته لوکاس نیث نمایشنامه‌نویس شناخته‌شده آمریکایی است که طی سال‌های فعالیت خود جوایز زیادی در عرصه تئاتر به دست آورده و نمایشنامه‌هایش بارها در سراسر جهان روی صحنه رفته است.

این نمایشنامه اثری جسورانه و تازه‌نگر است که با ترکیبی از طنز تلخ و درام روان‌شناسانه، داستان نورا را پس از ۱۵ سال از ترک خانواده‌اش به تصویر می‌کشد. این نمایش هم برای مخاطبانی که عاشق نمایشنامه معروف ایسن هستند و هم برای کسانی که هیچ‌گاه آن را نخوانده‌اند، جاذبه‌های منحصر به فرد دارد. نورا به خانه بازمی‌گردد اما آیا او آماده است با گذشته و کسانی که پشت سر گذاشته، روبه‌رو شود؟ محرابی که سال‌هاست در زمینه ترجمه آثار نمایشی نیز فعالیت دارد، این نمایشنامه را سال ۱۴۰۰ ترجمه و از سوی انتشارات عنوان روانه بازار کتاب کرد و اکنون قصد دارد این اثر را در سالن چهارسو در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه ببرد.

این هنرمند پیش از این آثاری چون «توبان»، «جوایی بدون جوانی» و «پچه‌های تک استریت کارلو» را در مقام کارگردان روی صحنه برده است. همچنین اجرا خوانی «کیک پنیر و آلبالو» اثری از این هنرمند بود که بهمن ۱۴۰۲ در سالن چهارسو میزبان مخاطبان بود.

حمایت ۶۰۰ میلیون تومانی

«قلب رقه» از جبهه مقاومت

اکران کنندگان مردمی جشنواره عمار در شهرهای مختلف کشور، با اکران فیلم «قلب رقه» دست به پشتیبانی از مردم لبنان و فلسطین زدند. در حاشیه اکران‌های فیلم «قلب رقه»، اکران کنندگان عمار در شهر نهبوند طی فراخوانی موفق به جمع‌آوری ۷۰ گرم طلا شدند و با برپایی یک بازارچه خیریه، کمک‌های مالی و اقلامی مانند پتو، لباس و مواد غذایی را برای ارسال به لبنان و فلسطین جمع‌آوری کردند. همچنین موبک مقاومت در زاهدان در شبی که فیلم «قلب رقه» را برای مردم به نمایش گذاشت، ۴۰ میلیون تومان برای کمک به جبهه مقاومت جمع‌آوری کرد. در خرم‌آباد نیز از اکران این فیلم مبلغ ۱۵ میلیون تومان به دست آمد که آن هم به جبهه مقاومت اختصاص داده شد. در شهرهای اصفهان، نائین، دولت‌آباد و کریمکند نیز تاکنون ۱۳۲۳ هزار حمایت از جبهه مقاومت برگزار شده و در مجموع ۲۰ میلیون تومان به جبهه مقاومت کمک شده است. همچنین بخشی از هزینه اکران‌های مردمی «قلب رقه» که پس از شهادت سیدحسین نصرالله گردآوری شده، از سوی تهیه‌کننده فیلم و اکران مردمی عمار، به جبهه مقاومت اختصاص یافته که مبلغ آن تاکنون به ۲۰۰ میلیون تومان رسیده است.

فیلم سینمایی «قلب رقه» داستان پاسدار مدافع حرم به نام رضاست که در شهر رقه سوریه پایتخت داعش در جست‌وجوی یک اسیر ایرانی به نام حاج عباس است. حاج عباس اطلاعات بسیار ارزشمندی دارد و داعش قصد دارد او را به اسرائیل تحویل دهد. رضا برای یافتن حاج عباس، مسئول رسانه‌ای داعش در رقه می‌شود و در این میان همسرش ریمارا که فکر می‌کرده کشته شده در میان داعشی‌ها پیدا می‌کند. فیلم «قلب رقه» به کارگردانی و نویسندگی خیرالله تقیانی‌پور و تهیه‌کنندگی سعید پروینی، محصول بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد رسانه‌ای بیان است و نخستین بار در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۲ به نمایش درآمد.

برگزاری جلسه «عصر شعر مقاومت» در دانشگاه شهید بهشتی

عصر شعر مقاومت، توسط بسیج دانشجویی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی(ره) به مناسبت ۱۳ آبان و سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا برگزار می‌شود. در این برنامه علاوه بر شعرخوانی شاعران و دانشجویان، از کتاب «در رکاب صبح» سروده فاطمه عارف‌نژاد رونمایی و شعرهای این شاعر بررسی خواهد شد.

در رکاب صبح، مجموعه شعری است که عارف‌نژاد از ۷ اکتبر سال گذشته تا سالگرد این واقعه، با محوریت مقاومت مردم غزه و لبنان و جبهه مقاومت سروده است. محمد رسولی، احمد حسین‌پور علوی، علی حسینی، فائزه امجدیان و فاطمه عارف‌نژاد از جمله شاعران حاضر در این برنامه هستند.

این عصر شعر یکشنبه ۱۳ آبان (امروز)، از ساعت ۱۶ در کافه بهشت دانشگاه شهید بهشتی(ره) برگزار می‌شود.

نادره رضایی، معاون هنری

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد

با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نادره رضایی به عنوان معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد.

مراسم معارفه معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روز گذشته با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در محل وزارت فرهنگ برگزار شد. محمد مهدی احمدی، مشاور عالی وزیر فرهنگ و جمعی از مدیران معاونت امور هنری از دیگر حاضران در این جلسه بودند.

در این مراسم از زحمات محمود سالاری تجلیل و نادره رضایی به عنوان معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شد.

پیامبر اعظم (ص)

برترین میراثی به دنیا یاد مرگ است. برترین عبادت یاد مرگ است و برترین اندیشیدن، یاد مرگ است. پس هر که یاد مرگ وجودش را پر کند، گور خود را باغی از باغ‌های بهشت بپاید.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سرمدیبر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۸۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
پست الکترونیک: info@vatnemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰۰



درباره «صبحانه با زرافه‌ها» که در ۴ روز ۱۴ میلیارد تومان فروخته است

بازی در هیپروت



تجربه همکاری با صحت را داشته‌اند اما این بار در قالبی کاملا متفاوت قرار گرفته‌اند. بیژن بنفشه‌خواه در نقش مهندسی جدی فرورفته که تضادهای رفتاری و تصمیم‌های ناگهانی‌اش در موقعیت‌های مختلف، بخشی از بار کمدی فیلم را به دوش می‌کشد. همراهی او با هوتن شکیبایی برای مصرف مواد، به خلق فضایی عجیب و جذاب منجر می‌شود. شکیبایی هم در موقعیتی جدید قرار گرفته و بی‌توجهی‌اش به مسائل مهم و آکنش‌های عجیبش در موقعیت‌های بحرانی، به بازه‌تر شدن فضا کمک می‌کند. پژمان جمشیدی برخلاف همیشه در این اثر کمدی، کاملا جدی است و جدیت و استیصال او در تقابل با بی‌خیالی و تصمیم‌های عجیب دوستانش خنده‌دار به نظر می‌رسد. یکی از درخشان‌ترین شخصیت‌های فیلم در اختیار هادی حجازی‌فر است که به عنوان دکتر معرفی می‌شود اما رفتارش هیچ شباهتی به دکترها ندارد و اتفاقا تضاد رفتاری او موقعیت جذابی را شکل می‌دهد. مجید یوسفی هم که در سریال «مگه تموم عمر چندتا بهاره» صحت به مخاطبان معرفی شد، اینجا نقشی متفاوت دارد و با اینکه حضورش کمرنگ‌تر از سایرین است اما موفق عمل می‌کند.

موسیقی، کارگردانی و سایر ارکان در حد متوسط است و اساسا اتفاق ویژه و جذابی در آن نیفتاده است، از همین رو اکنون می‌توان به این نکته رسید که یک فیلم چگونه با این میزان ضعف می‌تواند یک رکورد منحصربه‌فرد را آن هم در برهه‌های که سینمای ایرانی مملو از فیلم‌های کمدی است بزند و خبا: جواب کاملا مشخص است: بازیگران چهره. به دیگر سخن باید گفت آفتی که این روزها سینمای اندیشه‌شور ایران بدان گرفتار شده، این است که هر چه می‌آید، او در قالب شخصیتی قرار گرفته که از هر لحاظ با دیگران متفاوت است. هم وضع مالی خوبی ندارد و هم جنس آرزوهایش متفاوت است اما به لحاظ رفاقت، بهتر از سایرین عمل می‌کند و در شکل‌گیری فضای کمدی هم نقش مهمی دارد. پژمان جمشیدی، هوتن شکیبایی و بیژن بنفشه‌خواه، قبل‌تر

هنرپیشه‌ها در این فیلم به کمک صحت آمده است. فیلمنامه «صبحانه با زرافه‌ها» که به طور مشترک توسط سروش صحت و ایمان صفایی نوشته شده، مانند سایر کارهای قبلی صحت همچون سریال‌های «شمعدونی»، «لیسانسه‌ها»، «فوق لیسانسه‌ها» و «مگه تموم عمر چند تا بهاره» و فیلم سینمایی «جهان با من برقص» شکل گرفته است. این فیلم به لحاظ جنس کمدی، در امتداد آثار قبلی صحت قرار دارد و در زمینه معنا و محتوا هم می‌توان ردپایی را از آنچه پیش‌تر در آثار او سراغ داشته‌ایم دید. در «صبحانه با زرافه‌ها» با ماجراهایی از جنس روابط آدم‌ها مواجهیم. موقعیت‌های کمدی آن در دست است که اغراق شده نیست اما قطعا تخیلی است. همان‌طور که در بخش ایده ما با یک هسته مرکزی تخیلی مواجه هستیم، در تک‌تک موقعیت‌ها نیز با یک فضای تخیلی و غیرواقعی روبه‌رو می‌شویم.

صحت در فیلم «جهان با من برقص» روی اهمیت دوستی‌ها و ستایش زندگی هرچند سخت و کوتاه دست گذاشت و در «صبحانه با زرافه‌ها» هم تلاش کرده به این روابط پایبند باشد؛ روابطی که دال مرکزی آن بدرستی شکل نگرفته و عملا نتایج آن نیز آنطور که باید باشد از آب در نیامده است.

اما هر چه فیلمنامه کار درست از آب در نیامده و به نتایج دلخواه نوبسند به اساس سوابق و کارنامه کاری نرسیده است، همان‌طور که بیان شد، بازی‌ها خوب و قابل تحسین است. فیلم به ۵ بازیگر اصلی پیش می‌رود. حضور بهرام رادان در جمع این بازیگران یکی از اتفاق‌های مهم فیلم به حساب می‌آید. او در قالب شخصیتی قرار گرفته که از هر لحاظ با دیگران متفاوت است. هم وضع مالی خوبی ندارد و هم جنس آرزوهایش متفاوت است اما به لحاظ رفاقت، بهتر از سایرین عمل می‌کند و در شکل‌گیری فضای کمدی هم نقش مهمی دارد. پژمان جمشیدی، هوتن شکیبایی و بیژن بنفشه‌خواه، قبل‌تر

خونسی» جواد عزتی، «تگزاس» مسعود اطیابی و حتی «فسیل» کریم امینی نیز نتوانسته بودند به آن برسند. به نظر می‌رسد سروش صحت گوی رقابت را در بین کمدی‌سازان این روزهای سینما برده و می‌توان پیش‌بینی کرد در بازه زمانی اکران بتواند جایگاه ویژه‌ای را در سینمای کمدی ایران به ثبت برساند.

اما صحت فارغ از اینکه فیلم نخستش یک درام غیر کمدی بود و باعث کسب سیمرغ کارگردانی نیز از جشنواره فجر شد، از ابتدا یک نویسنده و فیلمساز کمدی بود که با نویسندگی مجموعه‌هایی چون «جنگ ۷۷»، «زیر آسمان شهر»، «بدون شرح» و «ترش و شیرین» خود را معرفی و «شمعدونی»، «لیسانسه‌ها»، «فوق لیسانسه‌ها» و «مگه تموم عمر چند تا بهاره» وارد عرصه کارگردانی شد و در نهایت نیز امروز با «صبحانه با زرافه‌ها» در مقام نویسنده و کارگردان گوی رقابت را از سایر کمدی‌سازان این روزهای سینما ربوده و ترک‌تازی می‌کند.

پیش از شروع جشنواره فیلم فجر پارسل طلی مطلبی نوشتیم که بر اساس شنیده‌ها فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» اقتباسی از قسمت اول «هنگ‌آو» آمریکایی است و در روز اکران جشنواره با توجه به پخش فوتبال در بامداد روز بعد، در حالی که سالن برج میلاد مملو از جمعیت بود، اکران شد و بسیاری از کارشناسان و منتقدان نمره ضعیف به آن دادند. در واقع دومین فیلم سروش صحت را چند پله پایین‌تر از فیلم نخستش باید دانست؛ فیلمی که تنها دارای‌اش یک ایده جذاب و چند بازیگر چهره مطرح سینماست و مابقی ارکان چون کارگردانی و فیلمنامه در حد بسیار ضعیف به‌کارگیری شده است.

در کنار کیفیت پایین و ایده که از یک فیلم معروف کمدی گرفته شده است، تنها نقطه قوت این اثر بازی بازیگران آن است و عملا باید گفت تجربه بازیگردانی و بازی گرفتن از

محمد محمدی: در حالی که ۱۳۰ روز تا پایان سال ۱۴۰۳ باقی مانده، سینمای ایران از ابتدای سال ۲۱ میلیون قطعه بلیت به واسطه اکران‌های بی در پی فیلم‌های کمدی فروخته است؛ سینمایی که رشد یا بهتر بگوییم جهش مخاطب را موجب شد اما باعث به حاشیه رفتن سایر گونه‌ها و ژانرهای سینمایی شد؛ تا جایی که امروز دیگر می‌توان به جرأت گفت اساسا سینمای اجتماعی، دفاع مقدس و کودک و نوجوان عملا جایگاهی بین مخاطبان این هنر ندارند و در هر فصل از اکران مردم منتظر یک فیلم کمدی با بازیگران ثابت هستند تا با توجه به شرایط اقتصادی و قیمت بلیت‌ها تنها سهمیه سینما رفتن خود را خرج آن کنند. در این میان اما اخبار مثبت رکوردهای جدید نیز تعجب‌برانگیز است. فروش بالا و تعداد زیاد مخاطبان روزانه، فکنگی و ماهانه باعث شده تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران آثار کمدی بیش از پیش رو به فعالیت‌های تبلیغاتی بیاورند و شاید از همه قابل تامل‌تر برپایی آیین‌های رونمایی با حضور بازیگران فیلم‌هاست که دیگر بدل به چشم و هم‌چشمی شده است. به عنوان نمونه ۲ فیلم کمدی که در این فصل از اکران روی پرده رفتند، عملا در حال رقابت برای برگزاری اکران با حضور بازیگران‌شان هستند و سالن‌های سینما که روزگاری مکانی برای انتقال اندیشه و تفکر بود، حالا تبدیل به محلی برای جولان عکاسان اینستاگرامی و جیغ و فریادهای گروه‌های هواداری و به اصطلاح فن‌بیج‌ها شده است. فارغ از این آفت‌ها که همگی از جمله نتایج تمرکز بیش از حد سینمای ایران بر ژانر کمدی است، ثبت رکورد مخاطبان نیز تعجب همگان را برانگیخته است.

در نمونه آخر، فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» به کارگردانی سروش صحت طی ۴ روز اکران با جذب ۲۰۰ هزار مخاطب و فروش بیش از ۱۴ میلیارد تومان - مجدد تاکید می‌کنم تنها در ۴ روز اکران! - در نوع خود یک رکورد دست‌نیافتنی را ثبت کرد؛ رکوردی که حتی «زودباز» رامبد جوان، «تمساح» شیمیا ناصری: شیرین ابوعاقله، روزنامه‌نگار و خبرنگار شناخته‌شده فلسطینی، نمادی از ایستادگی و جسارت در عرصه خبرنگاری در خاورمیانه بود. او با گزارش‌های بی‌باکنه و تلاش برای بازتاب واقعیت‌های زندگی مردم فلسطین، توجه بسیاری را به خود جلب کرد. شیرین با کار حرفه‌ای خود در شبکه الجزیره و پوشش دهی دقیق درگیری‌ها و حوادث منطقه، به یکی از مهم‌ترین و معتبرترین خبرنگاران فلسطینی تبدیل شد. شخصیت او نه‌تنها نماینده تعهد به حقیقت و انعکاس واقعیت‌ها بود، بلکه نماد مقاومت و فداکاری برای حفظ ارزش‌های انسانی و بیابان آزادانه حقیقت به‌شمار می‌رفت. شهادت او در جریان پوشش خبری، یادآور خطرات جدی و چالش‌های پیش روی خبرنگارانی است که برای روشنگری و آگاهی‌بخشی تلاش می‌کنند.

او از آن دسته خبرنگارانی بود که فراتر از حرفه‌ای بودن، به کار خود عشق می‌ورزید و باور داشت وظیفه یک خبرنگار نه‌تنها انتقال اخبار، بلکه جست‌وجوی حقیقت و صداقت است. از این‌رو شیرین همواره تلاش می‌کرد روایت‌هایی را به گوش جهان برساند که کمتر شنیده می‌شدند و کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند.

شهادت شیرین ابوعاقله به عنوان یک خبرنگار در خط مقدم و هنگام انجام وظیفه، بازتاب گسترده‌ای در میان رسانه‌ها و مردم جهان داشت. این حادثه نمادی از خطرات و فشارهایی است که خبرنگاران در مناطق جنگی و تحت اشغال با آن مواجه هستند. شهادت او زنگ هشدار برای جامعه جهانی بوده تا بیشتر به حقوق خبرنگاران و حفاظت از امنیت آنان توجه کنند. شیرین ابوعاقله نه‌تنها با گزارش‌هایش، بلکه با میراثی از مقاومت، شجاعت و عشق به مردم و سرزمینش، در یادها خواهد ماند. او همچنان الهام‌بخش نسل‌های آینده خبرنگاران خواهد بود که به دنبال حقیقت و عدالت در سخت‌ترین شرایط هستند.

به‌تازگی کتابی با عنوان «من شیرین ابوعاقله هستم» توسط انتشارات امیرکبیر چاپ شده است. این کتاب به ترجمه شهریار شفیع، یک هفته است که روانه بازار نشر شده و مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده است. در این کتاب زندگی شیرین از کودکی تا شهادت وی ترجمه شده است. وقتی روایت‌هایی را از نزدیکان شیرین در اواسط کتاب مشاهده می‌کنیم، بیشتر و بیشتر به ابعاد مختلف شخصیت فردی و اجتماعی شیرین پی می‌بریم. شیرین ابوعاقله گزارشگری را فقط یک شغل نمی‌دانست. آن را فراتر از یک

یادداشتی پیرامون کتاب «من شیرین ابوعاقله» هستم

فریادی که خاموش نمی‌شود

ابوعاقله یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خبرنگاران الجزیره بود که به موضوع فلسطین با تمام نمادهای آن که در دل و جان عرب وجود داشت، می‌پرداخت. حضور حرفه‌ای شیرین در حوزه رسانه، در چشم ملت عرب به او اعتبار ویژه‌ای بخشید و بعد از شهادت وی نیز این اعتبار و اصالت چندین برابر شد. متأسفانه دادگاه بین‌المللی کیفری و شورای امنیت پیرامون محاکمه اسرائیل بابت ترور شیرین ابوعاقله بسیار کم‌کار و ساکت ماند؛ تباخی قدرت‌های بزرگ با اسرائیل و همچنین حمایت آمریکا از این رژیم غاصب موجب شد این پرونده مسکوت بماند. حتی این سکوت سبب شد بسیاری از خبرنگارانی که در خط مقدم حضور دارند نیز در خطر باشند و از حقوق‌شان حفاظت نشود. این واقعیت که ابوعاقله نماد تلاش‌های بی‌پایان جهت دستیابی به حقیقت شد، هشدارنده است، چرا که همچنان باید با چالش‌های جدی در زمینه آزادی بیان و امنیت خبرنگاران مواجه باشیم.

در صفحات پایانی کتاب نیز تعدادی از افراد مشهور در واکنش به شهادت و حتی مراسم تشییع ابوعاقله پیام‌هایی را صادر و این ترور را یک تراژدی هولناک نامیده‌اند. آنها حمله ارتش اسرائیل به مراسم تشییع شیرین را اقدامی گستاخانه دانستند که نشان‌دهنده اقدامات خشونت‌آمیز ابوعاقله و حمایت‌های آمریکا است. شهادت شیرین ابوعاقله برای من نوعی یادآور این است که هیچ‌گاه نباید با سکوت، حقیقت را فدای امنیت کرد. شیرین نشان داد چگونه شجاعت و تعهد می‌تواند الهام‌بخش باشد. برای بسیاری از زنان و مردان جوان در کشورهای ما و حتی جهان، شیرین ابوعاقله نه‌تنها یک خبرنگار، بلکه یک قهرمان است که باید به او افتخار کرد و داستان او را زنده نگه داشت. شیرین ابوعاقله، فریادی که خاموش نمی‌شود...

مسئولیت می‌دانست. وی صدای کسانی بود که به دلیل ظلم و ستم خاموش شده بودند. ابوعاقله تعهد عمیقی به عدالت و حقیقت داشت و به جز اینکه خبرنگار حرفه‌ای در خط مقدم باشد، الگو و نمونه بارزی از یک زن شجاع فلسطینی در مقابله با رژیم غاصب اسرائیل بود که در کنار کار حرفه‌ای‌اش، به نقش‌های خانوادگی، تحصیلات و... نیز می‌پرداخت. شیرین ابوعاقله در طول زندگی و بعد از شهادتش الگوی خیلی از دختران و بانوان عرب‌زبان در فلسطین و حتی در گوشه و کنار جهان شد.

باید توجه کرد در دهه ۹۰، بانوان به صورت سنتی در استودیوهای خبری حضور داشتند ولی حضور شیرین ابوعاقله به عنوان یکی از بانوان خبرنگار که به صورت میدانی و در خط مقدم جنگ در جهان عرب حضور داشت باعث شد پیش‌قدمی‌اش در این حوزه، نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی در روزنامه‌نگاری و خبرنگاری تلویزیونی را از بین ببرد و با پرنگ شدنش در این عرصه، عده‌ای از دختران با شرکت در کلاس‌های دانشگاهش، حرفه روزنامه‌نگاری را انتخاب کنند و در این عرصه ورود کرده تا یکی شبیه شیرین ابوعاقله شوند.

گفتنی است شیرین شهروند ایالات متحده بود ولی علاقه‌ای به زندگی در آمریکا نداشت و دوست داشت در فلسطین زندگی کند: «حالا می‌توانم نفس بکشم. زندگی اینجا ساده است، من عاشق فلسطین هستم و می‌خواهم اینجا بمانم» (صفحه ۱۶ کتاب من شیرین ابوعاقله هستم).

شیرین بدون ترس و با نزدیک شدن به مردم توسط گزارش‌هایش، پرده از جنایات اسرائیل برداشت و در این مدت برای ارائه دقیق‌تر گزارش‌هایش شبیه یک مورخ و فراتر از یک خبرنگار به جمع‌آوری اطلاعات از شاهدان عینی و... می‌پرداخت تا گزارش‌هایش طی این چند سال فعالیت حرفه‌ای‌اش تبدیل به یک سند تاریخی شوند.

